

## 10

## ما در قبال "فرمان" مکلفیم و در قبال "قانون" محق و متعهد.

اگرچه بحث قانون به ظاهر مرتبط با مباحثی هست که در رشته‌ی حقوق ما با آنها سروکله میزنیم، اما مقدم بر آن مباحث، درک مفاهیم پایه‌ای این موضوع است. یعنی نیاز است که محتوایی تر و نظری تر به آنها پرداخته شود و مباحث فوق را در بخش معنا شناسی الفاظ بکاویم و بعد برویم سراغ مباحثی اجرایی تر. یکی از آن مباحث پرداختن به مسئله‌ی "حق" است.

در مطالب قبل به مرز بین دو نوع "قانون" موجود در تجربه‌ی زندگی اجتماعی انسان اشاره شد و نام یک قانون را به قرار خودمان "فرمان" گذاشتیم و نام یکی دیگر را "قانون"، اما بالاخره آنقدری که بایست، توضیح داده نشد که هر کدام از اینها چه پیام‌هایی برای مخاطبان خود به همراه داشته‌اند و خواهند داشت.

هنگامی که ما ذیل هر نوع دستورالعملی قرار می‌گیریم، موظف به اجرای تمام مفاد آن دستورالعمل‌ها هستیم. این وظیفه‌ای که بر دوش ماست، دو بخش دارد و بایستی از خودمان بپرسیم، آیا این وظیفه بر مبنای "حق" است یا "تکلیف". در ادبیات فارسی، در فقه اسلامی و در ریشه‌ی عربی در رابطه با کلمه‌های "وظیفه" و "تکلیف" فرق چندانی وجود ندارد و کسانی که واژگان فوق را ذیل ریشه‌هایشان در نظر می‌گیرند این را می‌دانند. اگر چه این دو واژه را؛ به لحاظ معنایی، با ریشه‌های معنایی نزدیک به هم در نظر گرفته‌اند و هر دوی آنها به معنای انجام کاری هستند که در انجام آن کار مسئولیتی به عهده‌ی انجام دهنده وجود دارد و انجام آن مسئولیت به همراه رنجی خواهد بود، اما استفاده از لفظ "وظیفه" بیشتر در مورد امور اخلاقی متداول است و استفاده از لفظ "تکلیف" برای امور شرعی و دستورات دینی. به واقع نکته مهم این است که برای "تکلیف" به مبنای مشروعیت نیاز است. کسی می‌تواند دیگری را به کار برانگیزد که نسبت به او فرمانروایی داشته و اطاعت از او واجب باشد؛ از این رو، صدور فرمان از شخص دارای صلاحیت، عنصر سازنده تکلیف است. واژه‌ی

### حزب ما حزبی برای آزادی-عدالت

"تکلیف" در حوزه الزام‌های ناشی از "قرارداد" میان اشخاص کمتر به کار می‌رود. زیرا اشخاصی که مساوی‌اند و هیچ‌یک بر دیگری برتری و سلطنت ندارند و تنها با رضایت طرفین یکدیگر را به انجام دادن کاری متعهد کرده‌اند (مطابق قانونی که تدوین کرده‌اند)، مشروعیت فعل خود را از اراده‌ی آزاد خود و قانونی که برای حفظ این اراده‌ی آزاد فردی و جمعی تدوین کرده‌اند، دریافت می‌کنند. به همین دلیل است که واژه‌ی "تکلیف" در چنین وضعی انچنان کاربردی ندارد و در این‌گونه موارد بیشتر از واژه "وظیفه" و یا "تعهد" استفاده می‌شود.

پس با نگاهی اجمالی در قبال مطالبی که گفته شد می‌توان بیان کرد، واژه‌ی "تکلیف" در متن عربی یا فارسی به معنایی به کار می‌رود که فرد در قبال شرع یا حاکم شرح "موظف" و به عبارتی دقیق‌تر "مکلف" به انجام آن است. انجام این مسئولیت البته الزاما همراه با رنج نخواهد بود و بنا به تقویت دایره‌ی ایمانی و باور فرد به آن حاکم شرع و ساختار سازنده‌ی دستورالعمل‌ها، می‌تواند با آرامشی نیز همراه باشد. اما در مقابل این نوع حکم‌ها و دستورالعمل‌ها در دولت‌های مدرن، دستورالعمل‌هایی وجود دارد که فرد را مجددا ملزم به اجرای همان شبه-فرمان‌ها می‌کند، اما شکل این احکام متفاوت است. احکام فوق احکامی هستند که بر مبنای نوعی توافق مستقیم یا غیر مستقیم بین اجرا کنندگان احکام و حکم‌پذیران لازم‌الاجرا شده است و فرد پذیرنده قانون هم موظف یا متعهد است که آن دستورالعمل‌ها را ذیل همان قانون توافق شده، به دقت اجرا کند.

اگر بازگردیم به مطالب قبل که در مورد مسئله‌ی مالکیت و فرمان و قانون مطرح گردید و آن مطالب را مروری کنیم، به یاد خواهیم آورد که دستورالعمل‌های فرمانی بر مبنای تسلط بر مالکیت غیر تدوین می‌شد و دستورالعمل‌های قانونی بر مبنای توافق مالکین با هم تدوین می‌گردید. لذا ما در بستر فرمان صادر شده از جانب شارع یا سلطان یا ... موظف مکلف به اجرای فرامین هستیم و در دستورالعمل‌ها یا قوانین صادر شده از محل توافق مالکین اصلی آن قانون، ما موظف متعهد به اجرای آن مفاد قانونی هستیم. یعنی در بستر "فرمان" یا "فرامین" با "تکلیف" روبروئیم و در بستر "قانون" یا "قوانین" ما با تعهد. به عبارتی ما به عنوان پذیرندگان حاضر در بستر "فرمان" محق بر تغییر مفاد فرامین نیستیم و ملزم به پذیرش آنهائیم، اما در بستر تعهد ما می‌توانیم شروط ضمن عقد را و مفاد عقد را تغییر بدهیم و تبدیل کنیم به چیز جدیدی. اساسا اینجا یک نزاع مبنایی تئوریک بین مالکین فرمان و مالکین قانون به وجود می‌آید و آن این نکته است که "فرمان" را چه کسی و "قانون" را چه کسی حق دارد تغییر بدهد؟ و نشانه‌ی واضحی برای اینکه یک دستورالعملی "قانون"

## حزب ما حزبی برای آزادی-عدالت

لحاظ شود و یک دستورالعملی فرمان چه چیزی خواهد بود؟ آیا همین حق مالکیتی که برای تغییر مفاد این دو موضوع در نظر گرفته میشود یکی از مفصل‌های مهم برای فرق‌گذاری جدی بین "فرمان" و "قانون" نمی‌تواند باشد؟